



Assessing the Conflict and Interaction between Public Rights and Citizenship Rights; Analyzing Challenges and Practical Solutions

Hassan Gholamalizadeh^{*1}, Behjat Sadat Ghaffarian²

1. PhD Student, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Email: 63gholamalizadeh@gmail.com

2. PhD Student, Department of Jurisprudence and Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Email: ghaffarian1365@gmail.com

Abstract

One of the fundamental challenges in legal systems is achieving a balance between public rights and citizenship rights. Public rights, which aim to ensure public interests, security, and social order, may sometimes conflict with citizenship rights that emphasize individual freedoms and human dignity. These conflicts are particularly evident in cases such as security restrictions, government surveillance of cyberspace, and social policy measures. This research adopts an analytical approach to examine the theoretical foundations and examples of conflict and convergence between these two categories of rights. Data were gathered from credible legal sources, and analyses were conducted based on theoretical frameworks and comparative studies. The findings indicate that in areas such as public health and social justice, synergy between public rights and citizenship rights is achievable. Ultimately, solutions such as drafting clear legislation, effective judicial oversight, and establishing a balance between security and freedom are proposed. This study can assist policymakers and legislators in creating a sustainable equilibrium between individual and public right.

Keyword: Public Law, Citizen Rights, Legal Conflict, Legal Interaction, Judicial Supervision

Received: 2025/02/19
Revised: 2025/04/13
Accepted: 2025/04/21
Available Online: 2025/04/25

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2053464.1032



تضاد یا تعامل بین حقوق عامه و حقوق شهروندی؛ چالش‌ها و راهکارها

حسن غلامعلی‌زاده^{۱*}، بهجت سادات غفاریان^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

رایانامه: gholamalizadeh63@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد، مشهد، ایران.

رایانامه: ghaffarian1365@gmail.com

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در نظام‌های حقوقی، ایجاد تعادل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی است. حقوق عامه که تأمین منافع عمومی، امنیت و نظم اجتماعی را هدف قرار می‌دهد، گاه ممکن است با حقوق شهروندی که بر آزادی‌های فردی و کرامت انسانی تأکید دارد، در تضاد قرار گیرد. این تضادها به‌ویژه در مواردی نظیر محدودیت‌های امنیتی، نظارت بر فضای مجازی و سیاست‌های اجتماعی نمود پیدا می‌کنند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی به بررسی مبانی نظری و مصادیق تقابل و هم‌گرایی میان این دو دسته حقوق پرداخته است. داده‌ها از منابع معتبر فقهی و حقوقی گردآوری و تحلیل‌ها بر اساس چارچوب‌های نظری و مطالعات تطبیقی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه‌هایی مانند بهداشت عمومی و عدالت اجتماعی، هم‌افزایی میان حقوق عامه و حقوق شهروندی امکان‌پذیر است. درنهایت، راهکارهایی نظیر تدوین قوانین شفاف، نظارت قضائی مؤثر و ایجاد توازن میان امنیت و آزادی پیشنهاد شده است. این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در ایجاد تعادل پایدار میان حقوق فردی و عمومی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: حقوق عامه، حقوق شهروندی، تضاد حقوقی، تعامل حقوقی، نظارت قضایی

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۱/۳۰	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۴/۰۱/۲۴	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۲/۰۱	DOI:	10.22034/CJLS.2025.2053464.1032
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۴/۰۲/۰۵		

یکی از چالش‌های اساسی در نظام‌های حقوقی، رابطه میان حقوق عامه و حقوق شهروندی است. حقوق عامه که بر تأمین منافع عمومی، امنیت، نظم اجتماعی و رفاه همگانی متمرکز است، در برخی موارد ممکن است با حقوق شهروندی که بر آزادی‌های فردی و کرامت انسانی تأکید دارد، در تعارض قرار گیرد. به‌عنوان مثال، امنیت عمومی می‌تواند منجر به محدودیت‌هایی در آزادی بیان و تجمع شود یا نظارت دولتی بر فضای مجازی، حریم خصوصی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، مقررات زیست‌محیطی و محدودیت‌های شهری ممکن است حقوق مالکیت و آزادی‌های اقتصادی افراد را محدود کند. مطالعات پیشین در این زمینه نشان داده‌اند که مفهوم تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی یک موضوع پیچیده و چندوجهی است. به‌عنوان مثال، کاتوزیان (۱۳۹۱) به تأثیر خلأهای قانونی بر تضاد میان این دو حوزه اشاره کرده و هاشمی (۱۳۹۴) تأکید داشته است که تفکیک دقیق میان حقوق عمومی و فردی می‌تواند از بروز تضادها جلوگیری کند. همچنین طباطبائی مؤتمنی (۱۴۰۰) با بررسی نقش عدالت اجتماعی و اصول حقوق بشر، راهکارهایی برای تقویت همگرایی میان این دو حوزه ارائه داده است؛ اما در این مقاله، تمرکز بر ارائه راهکارهایی عملی است که نه تنها تضادهای احتمالی را کاهش می‌دهد، بلکه از طریق اصلاح قوانین و نظارت مؤثر، همزیستی متوازن میان این دو حوزه را تضمین می‌کند. وجه تمایز این پژوهش در رویکرد جامع آن نهفته است. این مقاله نه تنها به تحلیل نظری ابعاد مختلف حقوق عامه و حقوق شهروندی می‌پردازد، بلکه با بررسی مصادیق عملی و تطبیقی، پیشنهادهایی کاربردی برای کاهش چالش‌ها و تقویت تعامل میان این دو دسته حقوق ارائه می‌دهد. در شرایط کنونی، با ظهور چالش‌هایی مانند تهدیدات سایبری و محدودیت‌های بهداشتی، این پژوهش به بررسی ضرورت ایجاد چارچوب‌های حقوقی شفاف و کارآمد در راستای توازن میان این دو حوزه می‌پردازد و راهکارهایی جدید و عملی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی ارائه می‌کند.

رابطه میان حقوق عامه و حقوق شهروندی یکی از موضوعات چالش‌برانگیز و موردتوجه در ادبیات حقوقی است. این رابطه به‌ویژه در شرایطی که منافع عمومی و آزادی‌های فردی در تضاد قرار می‌گیرند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همان‌طور که در مقدمه آمده است مطالعات پیشین نشان داده‌اند که دولت‌ها در بسیاری از موارد باهدف تأمین امنیت و نظم اجتماعی، اقداماتی انجام می‌دهند که به محدودیت حقوق فردی منجر می‌شود. این پژوهش در راستای تکمیل مطالعات پیشین و ارائه راهکارهایی برای ایجاد تعادل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی صورت گرفته

است. در این مقاله، هدف اصلی، تحلیل تقابل و تعامل میان این دو دسته حقوق، بررسی چالش‌های ناشی از این تقابل و ارائه راهکارهایی عملی است. به این منظور، سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

- آیا حقوق عامه و حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با یکدیگر تضاد دارند یا در برخی موارد می‌توانند همگرا باشند؟
- چه عواملی باعث تضاد یا همگرایی میان حقوق عامه و حقوق شهروندی در کشورها می‌شوند؟
- چگونه می‌توان از بروز تضادهای جدی میان این دو دسته حقوق جلوگیری کرده و تعامل مؤثری میان آن‌ها ایجاد کرد؟

۱. مبانی نظری حقوق عامه و حقوق شهروندی

رابطه میان حقوق عامه و حقوق شهروندی یکی از مسائل پیچیده در نظام‌های حقوقی است که تأثیرات زیادی بر ساختار اجتماعی و قانونی جوامع دارد. در این بخش، به بررسی مبانی نظری، اهداف، کارکردها، جایگاه حقوقی هر یک از این دو حوزه و همچنین وجوه اشتراک و افتراق این دو مفهوم پرداخته می‌شود تا تعامل و تعارضات احتمالی میان آن‌ها روشن شود.

۱-۱. تعریف و جایگاه حقوق عامه

حقوق عامه به مجموعه‌ای از حقوق اطلاق می‌شود که به منافع عمومی جامعه و رفاه عمومی مرتبط است. این حقوق بیشتر به تأمین نظم اجتماعی، امنیت عمومی، بهداشت عمومی، محیط‌زیست و سایر مسائلی می‌پردازد که تأثیرات فراگیر بر تمام اعضای جامعه دارد. حقوق عامه در واقع مسئولیت‌های دولت در تأمین و حفظ منافع عمومی و اجتماعی است. این حقوق بیشتر بر مبنای ضرورت حفظ نظم عمومی و رفاه عمومی طراحی شده و در بسیاری از موارد بر حقوق فردی تقدم دارد. حقوق عامه در نظام‌های حقوقی چندین هدف اساسی را دنبال می‌کند. نخستین هدف، حفظ نظم عمومی است که برای جلوگیری از هرج و مرج و تخریب در جامعه ضروری است. دوم، تأمین امنیت عمومی است که شامل پیشگیری و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود. از دیگر کارکردهای حقوق عامه می‌توان به تأمین بهداشت عمومی و مقابله با بیماری‌های واگیر، حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی و تأمین رفاه اجتماعی اشاره کرد. این حقوق از نظر قانونی، دولت را ملزم به اجرای تدابیر لازم جهت حفاظت از منافع عمومی می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۹۴) حقوق عامه در بسیاری از اسناد قانونی داخلی، از جمله قانون اساسی و سایر قوانین کشورها، جایگاه ویژه‌ای

دارد و به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از حقوق جمعی و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود. این حقوق در سطح بین‌المللی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند، به طوری که اسناد مختلفی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حمایت از این حقوق تأکید می‌کنند. حقوق عامه به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در زمینه حفظ حقوق انسان‌ها و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی، در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی، مورد توجه ویژه قرار دارد.

۲-۲. تعریف و اصول حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های فردی اطلاق می‌شود که به افراد در داخل جامعه‌ای خاص تعلق دارد و دولت‌ها موظف به تضمین آن‌ها هستند. این حقوق شامل آزادی‌های فردی و حقوق بنیادین مانند آزادی بیان، آزادی تجمع، حق حریم خصوصی و حقوق اقتصادی و اجتماعی است. اصول اساسی حقوق شهروندی نیز شامل اصل برابری، اصل آزادی، اصل عدم تبعیض و اصل عدالت اجتماعی است. (هاشمی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۴) حقوق شهروندی در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله قوانین اساسی و قوانین حقوق بشر در سطح بین‌المللی تأسیس شده است. دولت‌ها موظف به تضمین و حمایت از این حقوق از طریق قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های مختلف هستند. در بسیاری از کشورها، تأمین حقوق شهروندی جزء وظایف اصلی دولت و نهادهای عمومی است و این حقوق باید از هرگونه نقض یا تهدید محافظت شوند. دولت‌ها همچنین باید سیاست‌هایی را برای ارتقاء این حقوق و تأمین برابری اجتماعی اتخاذ کنند. به‌طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم نمود:

- حقوق مدنی: شامل آزادی‌های فردی مانند آزادی بیان، حق حریم خصوصی، حق انتخاب محل سکونت و حق مالکیت.
- حقوق سیاسی: شامل حق رأی، حق انتخاب نمایندگان، حق تشکیل احزاب و مشارکت در فرایندهای سیاسی.
- حقوق اجتماعی: شامل حق آموزش، حق دسترسی به خدمات بهداشتی، حق مسکن و دیگر حقوق مرتبط با رفاه اجتماعی.
- حقوق اقتصادی: شامل حق کار، حقوق کارگران، حق دسترسی به منابع اقتصادی و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی فردی. (قاضی، ۱۳۹۷، صص ۴۵-۴۸)

۲. وجوه اشتراک و افتراق میان حقوق عامه و حقوق شهروندی

در نظام‌های حقوقی، مفاهیم حقوق عامه و حقوق شهروندی هر دو به حفظ نظم اجتماعی و تأمین عدالت می‌پردازند، اما از جنبه‌های مختلفی قابل تفکیک هستند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، حقوق عامه به منافع عمومی و حفظ نظم کلی جامعه توجه دارد، در حالی که حقوق شهروندی بر آزادی‌های فردی و حقوق اساسی اشخاص متمرکز است. این دو حوزه، علاوه بر تفاوت‌های بنیادین، در برخی موارد نیز دارای نقاط اشتراک هستند که بررسی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر تعادل میان منافع عمومی و حقوق فردی کمک کند. در ادامه، تفاوت‌ها و اشتراکات این دو مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. وجوه اشتراک حقوق عامه و حقوق شهروندی

بر اساس آنچه بیان شد، مهم‌ترین وجوه اشتراک حقوق عامه و حقوق شهروندی عبارت‌اند از:

- هدف مشترک؛ تحقق عدالت و حفظ حقوق افراد در جامعه
- هر دو مفهوم حقوق عامه و حقوق شهروندی در راستای ایجاد عدالت و حفظ حقوق افراد تعریف شده‌اند. حقوق عامه به دنبال حفظ نظم اجتماعی و تأمین منافع عمومی است، در حالی که حقوق شهروندی بر حمایت از حقوق اساسی افراد تأکید دارد. در واقع، این دو حوزه مکمل یکدیگر هستند و در کنار هم می‌توانند به یک جامعه منسجم و عادلانه منجر شوند.
- حمایت از حقوق افراد، هر چند از منظرهای متفاوت
- حقوق عامه و حقوق شهروندی هر دو در جهت حمایت از حقوق افراد عمل می‌کنند، اما زاویه دید آن‌ها متفاوت است. حقوق شهروندی به افراد این امکان را می‌دهد که از آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، حق رأی و حریم خصوصی برخوردار باشند. در مقابل، حقوق عامه تلاش دارد تا از منافع کلان جامعه محافظت کند، مانند ایجاد امنیت عمومی و تضمین سلامت اجتماعی.
- وابستگی به نظام حقوقی کشور
- هر دو مفهوم در چارچوب نظام حقوقی یک کشور تعریف و اجرا می‌شوند. بدون قوانین مشخص، نه حقوق عامه و نه حقوق شهروندی نمی‌توانند به درستی تحقق یابند. نظام‌های حقوقی تلاش دارند تا با تدوین قوانین عادلانه، تعادلی میان این دو حوزه ایجاد کنند تا هم نظم عمومی حفظ شود و هم حقوق فردی افراد تضمین گردد.
- تأثیرپذیری از ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ جامعه
- هم حقوق عامه و هم حقوق شهروندی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی یک جامعه

تأثیر می‌پذیرند. به‌عنوان مثال، در جوامعی که بر ارزش‌های جمع‌گرایانه تأکید دارند، حقوق عامه ممکن است بر حقوق فردی اولویت داشته باشد، در حالی که در جوامعی با رویکرد فردگرایانه، حقوق شهروندی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این ارتباط دوطرفه میان حقوق و فرهنگ جامعه، در شکل‌گیری و تفسیر هر دو حوزه نقش کلیدی دارد.

• لزوم نظارت قانونی و قضایی بر اجرای هر دو حوزه

حقوق عامه و حقوق شهروندی هر دو نیازمند نظام‌های نظارتی قوی هستند تا از اجرای صحیح آن‌ها اطمینان حاصل شود. دادگاه‌ها، نهادهای نظارتی و سازمان‌های حقوق بشری می‌توانند نقش مهمی در تضمین رعایت حقوق شهروندی و جلوگیری از تضییع حقوق عامه ایفا کنند. بدون وجود این نظارت‌ها، ممکن است یکی از این دو حوزه به نفع دیگری تضعیف شود و تعادل میان آن‌ها برهم بخورد. (موسوی مقدم، ۱۴۰۲، صص ۷۰-۸۵)

۲-۲. وجوه افتراق حقوق عامه و حقوق شهروندی

با وجود برخی اشتراکات میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، این دو مفهوم در اصول، دامنه اجرا و ذی‌نفعان تفاوت‌های اساسی دارند. درک این وجوه افتراق می‌تواند به تبیین دقیق‌تر نقش هر یک در نظام حقوقی و چالش‌های ناشی از تعارض میان آن‌ها کمک کند.

• ماهیت حقوقی (جمعی در برابر فردی)

حقوق عامه به منافع عمومی و جمعی مربوط می‌شود و هدف آن تأمین خیر و صلاح عمومی است، در حالی که حقوق شهروندی بر حقوق فردی و آزادی‌های شخصی متمرکز است. به‌عنوان مثال، ایجاد محدودیت در برخی فعالیت‌ها به منظور حفظ امنیت عمومی (حقوق عامه) ممکن است با آزادی فردی افراد (حقوق شهروندی) در تعارض باشد.

• ذی‌نفعان (جامعه در برابر فرد)

در حقوق عامه، کل جامعه یا گروه‌های بزرگ اجتماعی ذی‌نفع هستند و این حقوق اغلب در سطح کلان اعمال می‌شوند. در مقابل، حقوق شهروندی به‌طور مستقیم به افراد تعلق دارد و تمرکز آن بر حمایت از تک‌تک اعضای جامعه در برابر نهادهای قدرت است. برای مثال، حق دسترسی به خدمات بهداشتی عمومی به‌عنوان بخشی از حقوق عامه برای همه افراد جامعه در نظر گرفته می‌شود، اما حق اعتراض و آزادی بیان به‌عنوان یک حق شهروندی برای هر فرد به‌طور جداگانه تعریف شده است.

• منشأ حقوق (دولت در برابر قوانین اساسی و بین‌المللی)
حقوق عامه اغلب توسط دولت و نهادهای حاکمیتی تعریف و اجرا می‌شود و قوانین مرتبط با آن بر اساس مصلحت عمومی تنظیم می‌شود. در مقابل، حقوق شهروندی بیشتر ریشه در قوانین اساسی، معاهدات بین‌المللی و اصول حقوق بشر دارد که دولت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند. به همین دلیل، حقوق شهروندی بیشتر در برابر دولت و قدرت‌های عمومی مطرح می‌شود، در حالی که حقوق عامه توسط همان قدرت‌ها تنظیم و اجرا می‌شود.

• قابلیت محدودسازی (اقتضایی در برابر اصولی)

حقوق عامه ممکن است در شرایط خاص، مانند وضعیت‌های اضطراری، جنگ، یا بحران‌های بهداشتی، دچار محدودیت‌هایی شود تا منافع عمومی حفظ گردد. در مقابل، حقوق شهروندی در اصل غیرقابل نقض است، مگر در شرایط استثنایی و با رعایت تشریفات خاص قانونی. به‌عنوان نمونه، ممکن است آزادی تردد شهروندان در دوران شیوع یک بیماری محدود شود (حقوق عامه) اما این محدودیت باید مطابق با معیارهای قانونی و با حفظ حداقل حقوق شهروندی اعمال شود.

• حوزه اجرا (عرصه عمومی در برابر عرصه خصوصی)

حقوق عامه بیشتر در حوزه‌های عمومی نظیر امنیت ملی، نظم عمومی، محیط‌زیست و سلامت عمومی اجرا می‌شود و قوانین آن بیشتر به‌صورت کلی بر جامعه اعمال می‌گردد؛ اما حقوق شهروندی به روابط فرد و دولت و همچنین به حوزه‌های خصوصی و شخصی افراد مربوط می‌شود، مانند آزادی‌های فردی، حق مالکیت و حریم خصوصی.

با وجود برخی اشتراکات، حقوق عامه و حقوق شهروندی تفاوت‌های بنیادینی دارند. حقوق عامه بر منافع جمعی تمرکز دارد و از سوی دولت تنظیم و اجرا می‌شود، در حالی که حقوق شهروندی بر آزادی‌ها و حقوق فردی استوار بوده و در برابر قدرت‌های عمومی مطرح می‌شود. همچنین، حقوق عامه در شرایط خاص محدودیت‌پذیر است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۴۰۰، صص ۱۸۲-۲۰۰) اما حقوق شهروندی اصولاً غیرقابل نقض تلقی می‌شود. فهم این تفاوت‌ها برای ایجاد توازن میان منافع عمومی و حقوق فردی ضروری است.

۳. مبانی فقهی حقوق عامه و حقوق شهروندی

در نظام حقوقی ایران، فقه اسلامی به‌عنوان منبعی بنیادین، اصولی مانند عدالت، مصلحت، دفع ضرر و وفای به عهد را ارائه می‌دهد که در ایجاد توازن میان حقوق عامه و حقوق شهروندی نقش

حیاتی دارند. این اصول هم‌زمان به تأمین نظم اجتماعی و حفظ کرامت انسانی توجه دارند. در اینجا، مهم‌ترین مبانی فقهی مرتبط با حقوق عامه و حقوق شهروندی بررسی می‌شود تا مشخص شود که آموزه‌های فقهی چگونه می‌توانند به کاهش تضادها و تقویت تعامل میان این دو حوزه کمک کنند. اصولی مانند عدالت و مصلحت می‌توانند به‌عنوان چارچوب‌هایی عملی برای ایجاد توازن میان حقوق عمومی و حقوق فردی مطرح شوند.

۳-۱. اصل عدالت

عدالت یکی از ارکان کلیدی در فقه اسلامی است که به توازن میان حقوق عمومی و حقوق فردی کمک می‌کند. در مفهوم فقهی، عدالت نه تنها به معنای رعایت مساوات در توزیع حقوق و تکالیف است، بلکه هدف آن تأمین منافع عمومی و حفظ کرامت انسانی نیز می‌باشد. این اصل، پایه‌ای برای تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد هماهنگی میان منافع فردی و جمعی در مواجهه با چالش‌های حقوقی است. (مطهری، ۱۳۵۳، صص ۱۳-۱۶) از دیدگاه فقه اسلامی، عدالت می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای ایجاد تعادل در تضادهای میان حقوق عامه و حقوق شهروندی باشد. به‌عنوان مثال، در شرایطی که امنیت عمومی نیازمند محدود کردن آزادی‌های فردی است، اصل عدالت راهکاری ارائه می‌دهد که هم‌زمان منافع جامعه حفظ شود و حقوق فردی نیز نقض نگردد. ممنوعیت احتکار کالاهای اساسی (مانند گندم یا دارو) از طریق الزام به فروش یا تعیین قیمت عادلانه، مصداقی از توازن بین حقوق فردی و منافع جامعه است. این اقدام به استناد قواعد فقهی همچون «لاضرر» و «حفظ نظام» توجیه می‌شود. (نجفی، ۱۴۲۱ ق، صص ۶۲-۶۵)

۳-۲. اصل مصلحت

اصل مصلحت در فقه اسلامی یکی از اصول کلیدی است که به تعیین اولویت‌های منافع عمومی با توجه به شرایط خاص می‌پردازد. این اصل بر آن است که تصمیم‌گیری‌ها و قوانین باید به نحوی تدوین و اجرا شوند که بیشترین منفعت و کمترین ضرر را برای جامعه به همراه داشته باشند. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۰) در این چارچوب، مصلحت عمومی می‌تواند در مواردی به محدود کردن حقوق فردی منجر شود، اما این محدودیت‌ها باید با هدف حفظ نظم اجتماعی و منافع جمعی انجام شود. برای مثال، اصل مصلحت در شرایط بحران‌های اجتماعی مانند شیوع بیماری‌های واگیر، توجیهی برای اجرای محدودیت‌هایی بر آزادی تردد و اجتماعات ارائه می‌دهد. با این حال، این اقدامات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به عدالت و حفظ حقوق شهروندی پایبند باشند.

۳-۳. اصل دفع ضرر

یکی دیگر از قواعد مهم در فقه اسلامی اصل دفع ضرر است که هدف آن جلوگیری از ایجاد زیان به افراد یا جامعه می‌باشد. این اصل بیان می‌کند که هرگاه اقدام یا عدم اقدامی سبب وارد شدن ضرر به دیگران یا جامعه شود، باید از آن پرهیز کرد. این قاعده در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و تنظیم قوانین به‌عنوان مبنایی اخلاقی و حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۰) در رابطه میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، اصل دفع ضرر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در شرایطی که ممکن است تضادهایی میان منافع عمومی و حقوق فردی وجود داشته باشد، این اصل می‌تواند به‌عنوان معیاری برای تعیین اولویت‌ها و ایجاد تعادل مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، در هنگام اعمال محدودیت‌هایی مانند قرنطینه‌های اجباری در بحران‌های بهداشتی، اصل دفع ضرر مبنایی برای توجیه این اقدامات در راستای حفظ سلامت عمومی جامعه می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، صص ۱۸۰-۱۸۵)

۳-۴. اصل وفای به عهد و تعهدات اجتماعی

اصل وفای به عهد یکی از اصول اساسی فقه اسلامی است که بر تعهد به انجام قول و پیمان‌ها تأکید دارد. این اصل نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد اعتماد میان افراد و نهادها ایفا می‌کند. از دیدگاه فقه اسلامی، رعایت تعهدات اجتماعی و پایبندی به قراردادهای نه تنها یک وظیفه اخلاقی محسوب می‌شود، بلکه ضمانتی برای حفظ نظم عمومی و کرامت انسانی است برای نمونه، پیمان‌های دولتی که تضمین دسترسی عمومی به خدمات بهداشتی یا آموزشی را به شهروندان وعده می‌دهند، تجلی این اصل هستند. اگر دولتی به تعهد خود در ارائه این خدمات عمل نکند، نه تنها نظم عمومی به خطر می‌افتد، بلکه اعتماد شهروندان نیز کاهش می‌یابد. وفای به عهد در فقه به معنای احترام به وعده‌ها و پیمان‌هایی است که افراد با یکدیگر یا با جامعه دارند. این اصل مبنای حفظ تعاملات اجتماعی، حقوق عمومی و خصوصی و ارتقای مسئولیت‌پذیری در جامعه است. علاوه بر این، در مواردی که پایبندی به عهد با منافع عمومی در تضاد قرار می‌گیرد، فقه اسلامی از اصولی همچون مصلحت عمومی و عدالت استفاده می‌کند تا تعادل میان حقوق عمومی و فردی برقرار شود به‌عنوان نمونه تاریخی، می‌توان به عهدنامه‌های صلح در میان قبایل اسلامی در دوران صدر اسلام اشاره کرد، جایی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تأکید داشتند که حتی در مواجهه با دشمن، پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها الزامی است. (شهید اول، ۱۳۸۴، صص ۲۵۸-۲۶۲)

۴. چالش‌ها و بسترهای تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی

تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی از چالش‌های اساسی در نظام‌های حقوقی است که در موقعیت‌های مختلف به‌ویژه در مواقعی که منافع عمومی یا امنیت اجتماعی در معرض تهدید قرار می‌گیرد، نمود پیدا می‌کند. به‌طور خاص، زمانی که دولت‌ها برای تأمین امنیت عمومی، حفظ سلامت جامعه یا مدیریت بحران‌های اجتماعی نیاز به وضع محدودیت‌هایی دارند، ممکن است این اقدامات با حقوق فردی شهروندان مانند آزادی بیان، آزادی تجمع یا حقوق مالکیت خصوصی در تضاد قرار گیرد. در ادامه بحث، به تحلیل چالش‌ها و بسترهای مختلفی پرداخته می‌شود که منجر به تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی می‌گردند. هدف این است که ابعاد مختلف این تضادها شناسایی شده و راهکارهایی برای ایجاد تعادل مناسب میان تأمین منافع عمومی و احترام به حقوق فردی ارائه شود.

۴-۱. چالش‌های تحقق تعادل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی

چالش‌های تحقق تعادل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی در نظام‌های حقوقی، از جمله مسائلی مهم و پیچیده است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف ایجاد تعارضاتی کند. به‌ویژه در شرایطی که منافع عمومی و امنیت جامعه در تضاد با آزادی‌های فردی قرار می‌گیرند، بروز مشکلات اجرایی، قانونی و اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه، به تفصیل چالش‌های مختلفی که ممکن است مانع از ایجاد تعادل میان این دو حوزه شوند، پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱. چالش قانونی

یکی از موانع جدی در دستیابی به تعادل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، خلأها و تناقضات موجود در قوانین است. چنین تعارضاتی ممکن است منجر به نقض حقوق شهروندی شود، به‌ویژه در شرایطی که اولویت به منافع عمومی داده می‌شود. به‌عنوان نمونه، قوانینی که برای امنیت عمومی و مبارزه با تروریسم تدوین شده‌اند، می‌توانند حقوق بنیادینی مانند آزادی بیان و حفظ حریم خصوصی را به‌طور مبهم و محدودکننده تعریف کنند. (Bobbio, 1997, p. 65) علاوه بر این، در بسیاری از موارد، قوانین مرتبط با حقوق شهروندی به شکلی طراحی شده‌اند که قابلیت تفاسیر متناقض را فراهم می‌کنند. این ویژگی به‌ویژه در زمان بحران‌های اجتماعی یا شرایط اضطراری، موجب می‌شود اجرای این قوانین با چالش‌هایی همراه شود و به تعارض میان حفظ منافع عمومی و رعایت حقوق فردی بیانجامد.

۴-۱-۲. چالش اجرایی

یکی از مسائل مهم در تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، چالش‌هایی است که در مرحله اجرای قوانین به وجود می‌آید. نحوه عملکرد نهادهای اجرایی و قضایی، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که مستلزم رعایت توازن میان منافع عمومی و حقوق فردی است، می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود. در بسیاری از موارد، اجرای قوانین ممکن است به‌گونه‌ای انجام شود که منجر به محدودیت در آزادی‌های فردی شود، به‌ویژه زمانی که تأمین امنیت عمومی یا منافع جمعی در اولویت قرار گیرد. (Clapham, 2006, p. 45) به‌عنوان نمونه، در دوران بحران‌های بهداشتی یا تهدیدات امنیتی، ممکن است قوانینی وضع شود که تجمعات عمومی یا آزادی بیان را محدود کند و این امر می‌تواند باعث نقض حقوق فردی گردد. از سوی دیگر، در اجرای سیاست‌هایی مانند مبارزه با مواد مخدر یا حفظ امنیت ملی، گاهی رویکردهایی اتخاذ می‌شود که حقوق شهروندان را به خطر می‌اندازد. این چالش‌ها بیشتر در تلاش برای برقراری تعادل میان نیازهای فوری جامعه و حفظ حقوق فردی شهروندان نمود پیدا می‌کنند.

۴-۱-۳. چالش اجتماعی

چالش‌های اجتماعی به تفاوت‌های فرهنگی و برداشت‌های عمومی از اولویت‌های حقوقی مربوط می‌شود. در بسیاری از جوامع، نگرش‌های مختلف نسبت به حقوق فردی و منافع جمعی می‌تواند به ایجاد اختلاف در ارزیابی و پذیرش محدودیت‌های اعمالی برای حفظ حقوق عامه منجر شود. به‌طور مثال، برخی از افراد ممکن است محدودیت‌هایی همچون واکسیناسیون اجباری یا کنترل تردد در مواقع بحران را به‌عنوان نقض حقوق فردی خود قلمداد کنند، درحالی‌که دیگران آن را اقدامی ضروری برای حفظ سلامت عمومی بدانند. این تفاوت‌های نگرشی می‌توانند موجب ایجاد تضاد در پذیرش یا مخالفت با قوانین و سیاست‌ها شوند. (Shue, 1996, p. 98) در کشور ایران، برخی از تصمیمات اجتماعی و اقتصادی ممکن است با حساسیت‌های فرهنگی و مذهبی جامعه در تضاد قرار گیرد و همین امر موجب بروز مخالفت‌هایی در پذیرش آن‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال، نظارت‌های اجتماعی در برابر حریم خصوصی و آزادی‌های فردی گاه در برخی اقصای اجتماعی به‌شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

۴-۱-۴. چالش فرهنگی

چالش‌های فرهنگی در تقابل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی به تفاوت‌ها و تنش‌های فرهنگی موجود در جوامع مرتبط است که می‌تواند بر درک و اعمال این دو نوع حقوق تأثیر بگذارد. این

چالش‌ها به‌ویژه زمانی پیچیده‌تر می‌شوند که ارزش‌ها و اولویت‌های فرهنگی جوامع با اصول حقوقی که بر اساس حقوق فردی یا منافع عمومی ساخته شده‌اند، تضاد پیدا می‌کنند. در برخی از جوامع، ممکن است ارزش‌های جمع‌گرایانه که بر منافع عمومی تأکید دارند، از حقوق فردی و آزادی‌های شخصی که در حقوق شهروندی بیان می‌شود، پیشی گیرد. این امر ممکن است موجب شود که محدودیت‌هایی برای حقوق فردی در شرایطی مانند بحران‌های اجتماعی یا امنیتی اعمال شود. علاوه بر این، در جوامع با تنوع فرهنگی بالا، ممکن است تعاریف مختلفی از حقوق فردی و آزادی‌ها وجود داشته باشد. در برخی فرهنگ‌ها، حقوق جمعی و گروهی، مانند حقوق اقلیت‌های قومی یا مذهبی، بر حقوق فردی اولویت پیدا می‌کند. این تفاوت‌های فرهنگی می‌توانند منجر به عدم توافق در خصوص نحوه پیاده‌سازی و توازن میان حقوق فردی و منافع عمومی شوند. همچنین، تعارضات میان هنجارهای سنتی و حقوق مدرن نیز از جمله چالش‌های فرهنگی هستند. (Kymlicka, 1995, pp. 63-65) در جوامع سنتی یا مذهبی، برخی آداب و رسوم که به محدودیت‌های اجتماعی برای گروه‌های خاص مانند زنان یا اقلیت‌ها می‌پردازند، ممکن است با اصول جهانی حقوق بشر در تضاد قرار گیرد. این تضادها می‌توانند چالش‌هایی در اعمال حقوق شهروندی و حقوق عمومی ایجاد کند و نیازمند تدابیر فرهنگی و حقوقی خاصی باشد.

۲-۴. بسترهای تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی

تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی یکی از مسائل مهمی است که در آن گاهی اوقات منافع عمومی نیاز به محدود کردن حقوق فردی دارد. این تضاد در موقعیت‌هایی بروز می‌کند که دولت‌ها برای تأمین امنیت، سلامت عمومی یا توسعه اقتصادی، ممکن است اقداماتی را انجام دهند که با آزادی‌های فردی یا حقوق مالکیت خصوصی شهروندان در تضاد باشد. مهم‌ترین بسترهای تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی از این قرار است.

۱-۲-۴. تعارض در امنیت و آزادی

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، رابطه امنیت عمومی با آزادی‌های فردی است. تأمین امنیت عمومی، یکی از وظایف اصلی دولت است، اما گاهی این هدف با محدودیت‌هایی در آزادی بیان، حق تجمع مسالمت‌آمیز و حریم خصوصی همراه می‌شود. به‌عنوان مثال، در شرایط بحران سیاسی یا تهدیدات امنیتی، دولت‌ها ممکن است تجمعات را ممنوع کرده یا نظارت گسترده‌تری بر فضای مجازی اعمال کنند که می‌تواند ناقض حقوق شهروندی باشد.

(مجتهد شبستری، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲) به علاوه استفاده از ابزارهای نظارتی مانند شنود مکالمات، دوربین‌های مدار بسته و ردیابی دیجیتال، با هدف تأمین امنیت عمومی، می‌تواند به نقض حریم خصوصی و آزادی‌های فردی منجر شود. این مسئله چالش مهمی میان حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی ایجاد می‌کند

۴-۲-۲. تضاد در سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی

دولت‌ها برای تأمین سلامت عمومی، ممکن است سیاست‌هایی را اجرا کنند که با برخی از آزادی‌های فردی در تضاد قرار گیرد. به عنوان مثال در مواقع شیوع بیماری‌های واگیر، دولت‌ها ممکن است واکسیناسیون اجباری را برای کنترل بحران در نظر بگیرند. این اقدام، اگرچه در راستای حقوق عامه است، اما می‌تواند با حق انتخاب فردی شهروندان در تضاد باشد. علاوه بر این در شرایطی مانند همه‌گیری‌ها یا بلایای طبیعی، اعمال قرنطینه‌های اجباری و محدودیت‌های رفت و آمد برای حفظ سلامت عمومی ضرورت پیدا می‌کند، اما این تصمیم‌ها می‌توانند آزادی تردد و فعالیت‌های اقتصادی افراد را محدود کنند.

۴-۲-۳. حقوق عامه در برابر مالکیت خصوصی و اقتصاد آزاد

یکی دیگر از حوزه‌های چالش برانگیز، تعارض میان منافع عمومی و حقوق مالکیت خصوصی است. گاه دولت‌ها ممکن است در شرایط خاص، برای تأمین منافع عمومی، اموال خصوصی را مصادره یا ملی کنند. این اقدامات که معمولاً با استناد به مصلحت عمومی انجام می‌شوند، می‌توانند با اصل حفاظت از مالکیت خصوصی در تضاد باشند. همچنین دولت‌ها ممکن است برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، مقررات سخت‌گیرانه‌ای در زمینه استفاده از زمین، ساخت و ساز، یا بهره‌برداری از منابع طبیعی وضع کنند. این مقررات، هرچند در راستای حقوق عامه هستند، اما می‌توانند حقوق مالکیت افراد را محدود سازد.

۵. بسترها و راهکارهای تعامل و همگرایی حقوق عامه و حقوق شهروندی

علی‌رغم این‌که ممکن است حقوق عامه و حقوق شهروندی در برخی موارد در تعارض باشند، در بسیاری از موارد نیز می‌توانند هم‌افزا و مکمل یکدیگر باشند. در این مبحث بسترهای تعامل و راهکارهای تقویت همگرایی و تعامل میان این دو حوزه در خور توجه است

۵-۱. بسترهای تعامل

برخلاف تصور رایج که حقوق عامه و حقوق شهروندی را در تقابل با یکدیگر می‌بیند، این دو حوزه در بسیاری از موارد می‌توانند در راستای تحقق منافع عمومی و حقوق فردی هم‌افزا باشند. بررسی بسترهای تعامل میان این دو، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تدوین سیاست‌های مناسب، به جای تضاد، همگرایی و تقویت متقابل را میان آن‌ها ایجاد کرد. مهم‌ترین این بسترها عبارت‌اند از:

۵-۱-۱. هم‌افزایی حقوق عامه و حقوق شهروندی در دولت مدرن^۱

در دولت‌های مدرن، حقوق عامه و حقوق شهروندی نه تنها در تقابل با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه در بسیاری از موارد مکمل یکدیگر هستند. دولت‌ها مسئولیت دارند که از یک سو منافع عمومی، نظم اجتماعی و امنیت را تأمین کنند و از سوی دیگر، حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را رعایت نمایند. این هم‌افزایی در چارچوب اصول دموکراتیک و حقوق بشر، به ویژه در حوزه‌هایی مانند تأمین خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها نمود پیدا می‌کند. به عنوان مثال، تأمین آموزش و بهداشت عمومی در زمره حقوق عامه است که دولت‌ها برای حفظ سلامت و آگاهی جامعه آن را تضمین می‌کنند. (قهرمانی افشار و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۷-۳۲) درعین حال، این خدمات در راستای تحقق حقوق شهروندی نیز قرار می‌گیرند، زیرا هر فردی حق دسترسی به

۱. دولت مدرن، به نظام حکمرانی‌ای اشاره دارد که بر پایه اصول دموکراتیک، تفکیک قوا، حقوق بشر و مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی بنا شده است. از جمله شاخصه‌های اصلی دولت مدرن عبارت است از:
 - الف) حاکمیت قانون: دولت مدرن بر اساس قانون عمل می‌کند و تمامی تصمیمات و اقدامات حکومتی باید مطابق با اصول قانونی باشد.
 - ب) تفکیک قوا: در دولت مدرن، سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه به صورت مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند تا از تمرکز قدرت جلوگیری شود.
 - ج) حقوق بشر و آزادی‌های فردی: دولت مدرن تضمین‌کننده حقوق بنیادین شهروندان است، از جمله آزادی بیان، حریم خصوصی و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی.
 - د) حمایت از عدالت اجتماعی: دولت مدرن تلاش می‌کند تا عدالت اجتماعی را از طریق تأمین فرصت‌های برابر، خدمات عمومی و حمایت از افشار آسیب‌پذیر به اجرا بگذارد.
 - ه) نظام انتخاباتی و مشارکت مردمی: دولت مدرن بر اساس انتخابات آزاد و منصفانه شکل می‌گیرد و مشارکت فعال شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها را تشویق می‌کند.
- و) شفافیت و پاسخگویی: از ویژگی‌های مهم دولت مدرن شفافیت در اقدامات حکومتی و پاسخگویی به شهروندان است. (Held, 2023, pp. 70-75)

آموزش و خدمات درمانی را دارد. همچنین، ایجاد فرصت‌های برابر در اشتغال و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، هم‌زمان به تحقق عدالت اجتماعی (به‌عنوان بخشی از حقوق عامه) و تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان کمک می‌کند؛ بنابراین، در دولت مدرن، هم‌افزایی حقوق عامه و حقوق شهروندی زمانی محقق می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها و قوانین، این دو حوزه را نه به‌عنوان مفاهیمی متضاد، بلکه به‌عنوان اجزای مکمل یکدیگر در راستای توسعه اجتماعی و حکمرانی عادلانه در نظر بگیرند

۵-۱-۲. تعامل در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نمایان می‌شود. عدالت اجتماعی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی، ایجاب می‌کند که دولت‌ها ضمن حفظ منافع عمومی، شرایطی را فراهم کنند که تمامی شهروندان به‌طور برابر به امکانات اساسی مانند بهداشت، آموزش، مسکن و حمل‌ونقل دسترسی داشته باشند. این امر علاوه بر تضمین حقوق شهروندی، موجب تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. همچنین، سیاست‌های اقتصادی باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که ضمن حفظ ثبات اقتصادی و حمایت از تولید ملی، از حقوق مصرف‌کنندگان نیز محافظت کنند. قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده نمونه‌ای از این تعامل است که از یک‌سو به حفظ حقوق فردی و اقتصادی شهروندان می‌پردازد و از سوی دیگر در راستای تأمین منافع عمومی عمل می‌کند. به همین ترتیب، تأمین خدمات عمومی مانند برق، آب، بهداشت و آموزش، در عین حال که وظیفه‌ای حاکمیتی در راستای تأمین حقوق عامه محسوب می‌شود، به تحقق حقوق شهروندی نیز کمک می‌کند؛ بنابراین، دولت‌ها موظف‌اند در تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، تعادلی میان الزامات منافع عمومی و حقوق فردی برقرار کنند. این رویکرد، علاوه بر افزایش کارآمدی حکمرانی، موجب کاهش تعارضات اجتماعی و ارتقای سطح رفاه عمومی می‌شود. (همتی، ۱۳۸۶، صص ۸۹-۶۲)

۵-۱-۳. تعامل در سیاست‌های کیفری و دادرسی عادلانه

در نظام‌های کیفری، ایجاد تعادل میان حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق فردی یکی از چالش‌های اساسی است. از یک‌سو، دولت‌ها موظف‌اند امنیت اجتماعی را تأمین کرده و با ارتکاب جرائم مقابله کنند و از سوی دیگر، باید اصول بنیادینی همچون حق دفاع، اصل برائت و کرامت انسانی متهمان را

رعایت کنند. این تعامل، علاوه بر افزایش مشروعیت نظام قضایی، موجب تقویت اعتماد عمومی به عدالت کیفری می‌شود. رعایت حقوق متهمان و محکومان در فرآیند دادرسی، به معنای محدودیت در اجرای عدالت کیفری نیست، بلکه می‌تواند به ارتقای کارآمدی نظام قضایی کمک کند. اتخاذ سیاست‌های کیفری مبتنی بر رعایت حقوق بشر، نه تنها مانع بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌شود، بلکه از مجازات سخت‌گیرانه و سرکوب‌گرایانه‌ای که می‌توانند منجر به نارضایتی اجتماعی شوند نیز جلوگیری می‌کند. همچنین، سیاست‌های پیشگیری از جرم باید به نحوی تدوین شوند که ضمن حفظ امنیت عمومی، حقوق شهروندان را نیز محترم بشمارند. راهکارهایی مانند اصلاح و بازپروری مجرمان، به‌کارگیری مجازات جایگزین حبس و تأکید بر آموزش و تغییر رفتار، می‌توانند به کاهش جرم در جامعه کمک کنند، بدون آنکه اصول بنیادین حقوق شهروندی نقض شود. ایجاد چنین تعادلی، زمینه‌ساز یک نظام کیفری عادلانه و کارآمد خواهد بود. (محمودی‌کنگ‌سفلی، ۱۳۹۶، ص ۹۵)

۲-۵. راهکارهای تقویت همگرایی و تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی

برای تقویت همگرایی و تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی در سیاست‌های مختلف، باید راهکارهایی عملی در نظر گرفته شود که موجب هم‌افزایی و نه تقابل میان این دو حوزه شود. در این راستا، راهکارهای زیر می‌تواند به‌عنوان اقداماتی مؤثر و عملی مطرح گردد:

۱-۲-۵. راهکار حقوقی (اصلاح و تدوین قوانین شفاف و منسجم)

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای ایجاد تعامل مؤثر میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، اصلاح و تدوین قوانینی است که شفافیت، انسجام و جامعیت لازم را داشته باشند. چنین قوانینی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها دامنه و حدود حقوق فردی را با وضوح بیشتری مشخص کنند، بلکه به حفظ منافع عمومی و ایجاد نظم اجتماعی نیز اهمیت دهند. برای مثال، قوانینی که به‌منظور تضمین امنیت عمومی تدوین می‌شوند، باید به‌صورت شفاف نشان دهند که چگونه و تحت چه شرایطی ممکن است محدودیت‌هایی بر حقوق فردی اعمال شود. در این راستا، تدوین چارچوب‌های قانونی که بتوانند از ابهام در تفاسیر جلوگیری کنند، بسیار حیاتی است. این قوانین باید با رعایت اصول حقوق بشر و معیارهای بین‌المللی تنظیم شوند تا توازن میان حقوق فردی و جمعی به‌خوبی حفظ شود. (Anderson, 2022, p. 101) همچنین، تقویت ظرفیت نظارتی نهادهای قانونی و قضائی می‌تواند نقش مهمی در اجرای این چارچوب‌های حقوقی ایفا کند، زیرا نظارت مؤثر از سوءاستفاده احتمالی از قوانین جلوگیری خواهد کرد و موجب اطمینان خاطر شهروندان از

رعایت عدالت می‌شود. به‌عنوان نمونه، در حوزه‌های مرتبط با امنیت و سلامت عمومی، قوانینی باید تدوین شوند که ضمن تضمین حفاظت از جامعه در برابر تهدیدها، از نقض حقوق بنیادین شهروندان نیز جلوگیری کنند. این کار مستلزم بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی و تطبیق آن‌ها با شرایط محلی است.

۵-۲-۲. مستقل کردن نهادهای نظارتی

یکی از راهکارهای کلیدی برای تقویت تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، استقلال نهادهای نظارتی است. این نهادها باید بدون وابستگی به دولت یا دیگر ارکان قدرت عمل کنند تا بتوانند به شکل کارآمد بر اجرای قوانین و سیاست‌ها نظارت داشته باشند و از حقوق فردی و عمومی حفاظت کنند. استقلال این نهادها، علاوه بر امکان شناسایی و پیگیری موارد نقض حقوق، می‌تواند اعتماد عمومی به ساختار حقوقی را افزایش دهد و ضامن اجرای مؤثر حقوق شهروندی باشد. برای تحقق این هدف، تقویت استقلال مالی، مدیریتی و قضائی این نهادها ضروری است. این استقلال تضمین می‌کند که فشارهای سیاسی یا اجرایی بر عملکرد این نهادها تأثیری نگذارد و آن‌ها بتوانند وظایف خود را به‌طور بی‌طرفانه انجام دهند. این راهکار می‌تواند بستری فراهم سازد که حقوق عمومی و فردی به شکل مؤثر و هم‌زمان رعایت شوند.

۵-۲-۳. راهکار اجتماعی (افزایش آگاهی عمومی)

یکی از راهکارهای کلیدی در تقویت همگرایی حقوق عامه و حقوق شهروندی، آموزش و آگاهی‌بخشی به عموم مردم است. برای ایجاد جامعه‌ای که در آن حقوق فردی و منافع عمومی به‌طور متوازن رعایت شود، ضروری است که شهروندان از حقوق خود و نحوه دفاع از آن‌ها آگاه باشند. آموزش به مردم در زمینه حقوق خود، به‌ویژه در حوزه‌های حساس مانند دادرسی عادلانه، آزادی‌های فردی و امنیت عمومی، می‌تواند از تضییع حقوق آن‌ها جلوگیری کرده و به تقویت اعتماد عمومی به نهادهای قانونی کمک کند. (Giddens, 2009, p. 110) این آموزش‌ها باید به‌گونه‌ای ارائه شوند که مردم نه تنها به اطلاعات حقوقی دسترسی داشته باشند، بلکه قادر باشند در صورت لزوم از طریق مجاری قانونی برای احقاق حقوق خود اقدام کنند. علاوه بر این، آگاهی‌بخشی به مردم در خصوص نقش آن‌ها در حمایت از منافع عمومی و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی، می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری منجر شود.

۵-۲-۴. راهکار سیاسی (تعادل بین امنیت ملی و حقوق فردی)

راه‌حل‌های سیاسی در جهت ایجاد تعادل میان امنیت ملی و حقوق فردی نیازمند تدوین سیاست‌های دقیق و متوازن است که در آن‌ها نه تنها امنیت جامعه در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تأمین شود، بلکه حقوق بنیادین فردی نیز حفظ گردد. یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه، تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که شفافیت را در اقدامات امنیتی به همراه داشته باشند. به‌عنوان مثال، نهادهای امنیتی باید تحت نظارت و کنترل مؤثر قرار گیرند تا از سوءاستفاده‌ها یا نقض حقوق فردی جلوگیری شود. این اقدامات باید به گونه‌ای باشد که مردم بتوانند از نحوه اجرای سیاست‌ها آگاه شوند و در صورت لزوم، اقدامات غیرقانونی را مورد پیگیری قرار دهند. علاوه بر این، یکی دیگر از راهکارهای مهم، تشویق شهروندان به مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های عمومی است. این مشارکت می‌تواند از طریق انتخابات آزاد، نظرسنجی‌ها و مشارکت در جلسات عمومی یا نهادهای مدنی انجام شود. زمانی که مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشارکت داشته باشند، سیاست‌گذاران می‌توانند به نظرات و دغدغه‌های جامعه توجه بیشتری داشته باشند و از این طریق، امنیت و حقوق فردی را به‌طور هم‌زمان تضمین کنند. (Rosner, 2006, p. 91) در این راستا، دولت‌ها باید نهادهای مدنی و حقوق بشری را تقویت کرده و فضایی برای نقد و بحث آزاد ایجاد کنند تا تضمین‌کننده رعایت حقوق فردی در حین تأمین امنیت ملی باشند.

۵-۲-۵. راهکار فرهنگی (گفتگوی بین فرهنگی و احترام به تنوع)

راه‌کار فرهنگی برای کاهش چالش‌های میان حقوق عامه و حقوق شهروندی بر پایه ارتقای درک متقابل و احترام به تفاوت‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه، ترویج گفت‌وگوی بین فرهنگی است. ایجاد فضایی برای گفت‌وگو میان گروه‌های فرهنگی مختلف در جامعه می‌تواند به درک بهتر و کاهش تعارضات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی کمک کند. این نوع گفت‌وگوها نه تنها باعث شناخت بیشتر از نیازها و دغدغه‌های دیگران می‌شود، بلکه به ارتقاء همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع متنوع کمک خواهد کرد. از این طریق، جامعه می‌تواند به یک توافق مشترک برسد که حقوق فردی و منافع عمومی را به گونه‌ای متوازن تأمین کند. (Taylor, 1992, p. 119) علاوه بر این، احترام به تنوع فرهنگی یکی دیگر از راهکارهای فرهنگی است که در تدوین سیاست‌های اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. این سیاست‌ها باید به‌طور خاص تنوع فرهنگی را به رسمیت شناخته و از حقوق اقلیت‌ها حمایت کنند. حمایت از اقلیت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی نه تنها به

تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند، بلکه به کاهش احساس تبعیض و نابرابری در میان اعضای مختلف جامعه می‌انجامد. برای رسیدن به این هدف، می‌بایست سازوکارهایی ایجاد شود که در آن حقوق تمامی گروه‌ها در چارچوب قوانین و هنجارهای اجتماعی رعایت شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تعامل و تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی مورد تحلیل قرار گرفت. حقوق عامه به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق مرتبط با منافع عمومی و رفاه جامعه، به مسائل کلیدی همچون امنیت عمومی، نظم اجتماعی، بهداشت و محیط‌زیست اشاره دارد. در مقابل، حقوق شهروندی بر آزادی‌های فردی و حقوق شخصی از جمله حق آزادی بیان، حق حریم خصوصی و حق تجمع تأکید دارد. این دو حوزه از حقوق در بسیاری از موارد ممکن است در تضاد با یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا تأمین منافع عمومی همچون حفظ امنیت اجتماعی و سلامت عمومی گاهی ایجاب می‌کند که محدودیت‌هایی بر حقوق فردی اعمال شود. این تضادها به‌ویژه در مواقع بحران‌ها، جنگ‌ها یا شرایط اضطراری آشکار می‌شوند که در این شرایط، حقوق شهروندی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد تا منافع کل جامعه حفظ شود. با این حال، در برخی موارد نیز می‌توان همگرایی و تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی را مشاهده کرد. آنجا که دسترسی برابر به خدمات عمومی، از جمله بهداشت، آموزش و مسکن برای تمامی افراد جامعه فراهم می‌شود، هم حقوق فردی و هم منافع عمومی به‌طور هم‌زمان به رسمیت شناخته می‌شوند. این همگرایی می‌تواند در چارچوب تأمین کرامت انسانی و رعایت اصول دموکراتیک در فرآیند دادرسی و سیاست‌های کیفری نیز قابل مشاهده باشد.

این تحقیق نشان داد که همگرایی میان حقوق عامه و حقوق شهروندی امکان‌پذیر است، اما برای تحقق این همگرایی، نیاز به تدابیر و سازوکارهای دقیق‌تری در عرصه قانون‌گذاری، اجرای قوانین و نظارت قضایی وجود دارد. تدوین قوانین شفاف و منسجم، همراه با ایجاد نهادهای مستقل نظارتی و تشویق به مشارکت عمومی، می‌تواند به بهبود تعامل میان این دو حوزه کمک کند. به‌ویژه در شرایطی که منافع عمومی و حقوق فردی به‌طور هم‌زمان تحت فشار قرار می‌گیرند، ضروری است که سازوکارهایی ایجاد شود که حقوق فردی را در کنار تأمین نیازهای جمعی حفظ کند. در نتیجه، با اتخاذ رویکردهای جامع و همگرا، می‌توان به جامعه‌ای دست‌یافت که در آن حقوق فردی و منافع عمومی به‌طور متوازن تأمین شده و تضادهای میان این دو حوزه کاهش یابد. در این مسیر، تعادل میان حقوق بشر، دموکراسی و منافع عمومی باید در اولویت قرار گیرد تا نظام حقوقی پایدار و عادلانه‌تری به وجود آید.

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در این تحقیق و نتایج حاصل از آن، پیشنهادها کلیدی زیر در جهت بهبود همگرایی و تعامل میان حقوق عامه و حقوق شهروندی ارائه می‌شود. این پیشنهادها می‌توانند در راستای کاهش تضادهای موجود و تقویت تعامل میان این دو حوزه، گام‌های مؤثری بردارند.

• تقویت نهادهای نظارتی مستقل

پیشنهاد می‌شود که نهادهای نظارتی در سطح ملی و بین‌المللی تقویت شوند تا از یک‌سو بر اجرای دقیق و عادلانه قوانین نظارت کنند و از سوی دیگر، تضمین کنند که حقوق فردی و آزادی‌های شخصی در برابر مداخلات دولتی حفظ گردد.

• تدوین و اصلاح قوانین منطبق با اصول حقوق بشر

به منظور کاهش تضاد میان حقوق عامه و حقوق شهروندی، توصیه می‌شود که قوانین مربوطه به ویژه در زمینه‌های امنیتی، بهداشتی و اقتصادی بازبینی و اصلاح شوند تا ضمن تأمین منافع عمومی، حقوق فردی نیز به طور کامل رعایت گردد.

• آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی

با توجه به اهمیت مشارکت عمومی در فرآیندهای حقوقی و تصمیم‌گیری، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی در سطح جامعه در خصوص حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی تدارک دیده شود تا همگان از نحوه تعامل و همگرایی این دو حوزه مطلع شوند.

منابع

۱. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). رسائل (جلد ۱)، قم: کنگره شیخ انصاری.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۳. شهید اول، محمدبن مکی (۱۳۸۴). لمعه دمشقیه (ترجمه علی شیروانی و محسن غروی‌ان)، قم: دارالفکر.
۴. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۴۰۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. قاضی، محمد (۱۳۹۷). حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات جنگل.
۶. قهرمانی افشار، خیرالله پروین و محمد محمدزاده اصل (۱۴۰۰). رهیافتی بر رابطه حاکمیت دولت و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۳۲-۷.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵). ایمان و آزادی، تهران: انتشارات طرح نو.
۹. محمدی کنگ‌سفلی، احسان و حسنی، ریحانه (۱۳۹۶). حقوق شهروندی و دادخواهی عادلانه در فرایند دادرسی کیفری، تهران: انتشارات استاد شهريار.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). عدل الهی، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). انوار الفقاهه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۱۲. موسوی مقدم، محمد (۱۴۰۲). درآمدی بر حقوق شهروندی، تهران: انتشارات حقوق امروز.
۱۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دارالکتب اسلامیه.
۱۴. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)، تهران: نشر میزان.
۱۵. همتی، مجتبی (۱۳۸۶). حق‌های اقتصادی - اجتماعی و نسبت آن با حقوق شهروندی. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۵، صص ۸۹-۶۲.

1. Alston, Philip. (2023) *the Future of Human Rights: Challenges and Opportunities*. Cambridge University Press.
2. Anderson, Gavin. (2022) *Constitutional Rights after Global Crises*. Oxford University Press.
3. Bobbio, Norberto. (1997) *the Age of Rights*. Polity Press.
4. Clapham, Andrew. (2006) *Human Rights Obligations of Non-State Actors*. Oxford University Press.
5. Giddens, A. (2009) *Sociology: A Brief Introduction*. 6th edition, Pearson.

6. Held, David. (2023) *Models of Democracy*. Stanford University Press.
7. Kymlicka, W. (1995) *Multicultural Citizenship: A Liberal Theory of Minority Rights*. Oxford University Press
8. Posner, R.A. (2006) *Not a Suicide Pact: The Constitution in a Time of National Emergency*. Oxford University Press
9. Shue, H. (1996) *Basic Rights: Subsistence, Affluence, and U.S. Foreign Policy*. Princeton University Press.
10. Taylor, C. (1992) *Multiculturalism and the Politics of Recognition*. Princeton University Press.

